

ملاحظات و پیکانها انتشار یک سند تاریخی (نامه تاریخی امام درباره پذیرش قطنامه ۵۹۸)

رضامؤمن زاده

مقدمه

انتشار نامه تاریخی امام خمینی (ره) در مورد پذیرش قطنامه ۵۹۸ از سوی دفتر آقای هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۱۳۸۵/۷/۸، واکنش‌های مختلف سیاسی در جامعه به همراه داشت. این امر که در واقع با هدف بیان بخشی از واقعیت‌های جنگ به ویژه مقطع زمانی "پایان جنگ" صورت گرفت، اگر چه از منظر نقد و بررسی جنگ دارای اهمیتی بسیار است و در حقیقت می‌تواند بیانگر فرارسیدن دوره بازخوانی ناگفته‌های جنگ و به عبارتی، نقطه عطفی در این خصوص باشد، اما انعکاس وسیع آن در سطح رسانه‌ها و واکنش محافل و گروه‌های سیاسی و اجتماعی به آن، حاوی مفاهیم و پیام‌های مهمی می‌باشد که توجه به آن‌ها در روند مطالعاتی تاریخ جنگ ایران و عراق ضروری می‌نماید.

انتشار این نامه که ۱۸ سال از صدور آن می‌گذرد، موجب شد تا دیدگاه‌ها و تحلیل‌های گوناگونی در این خصوص بیان و منتشر شود که بررسی آن‌ها گویای نکات ذیل می‌باشد:

۱- تحولات دوران جنگ تحمیلی از چنان پیوستگی با مسائل و موضوعات انقلاب اسلامی برخوردار است که بررسی انتزاعی آن با بهره‌گیری صرف از تئوری‌های کلاسیک موجود بی‌فایده خواهد بود. به همین دلیل، شناخت دقیق جنگ ایران و عراق مستلزم آگاهی از ماهیت و رویکرد انقلاب اسلامی به پدیده‌های سیاسی و اجتماعی است، ضمن این که تجزیه و تحلیل آن، تجربه بسیار گرانبهایی در تئوریزه کردن دیدگاه‌های انقلاب اسلامی و استخراج راهبردهای اساسی برای حل و فصل

مسائل کنونی و آینده کشور به شمار می‌آید.

۲- جنگ ایران و عراق، هنوز به تاریخ نپیوسته است و برخی از مسائل مربوط به این دوره صرفاً تحت شرایط سیاسی و اجتماعی کشور پررنگ می‌شوند. این امر موجب گردیده است تا امکان ایجاد فضای لازم برای ارائه دیدگاه‌های کارشناسی و منطقی سلب شود.

۳- توجه به ابعاد و پیامدهای انتشار نامه امام بیانگر آن است که متأسفانه هنوز فضا و ظرفیت لازم برای بیان حقایق و لایه‌های پنهان تاریخ جنگ در کشور به وجود نیامده و به تعبیر محسن رضایی فرمانده وقت سپاه، "جعبه سیاه جنگ هنوز بسته بماند."

با عنایت به توضیحات فوق، برخی پرسش‌ها مطرح می‌شوند:

۱- آیا هنوز زمان نقد و بررسی تاریخ جنگ ایران و عراق فرا نرسیده است؟

۲- روش برون رفت از بروز هر گونه چالش‌های سیاسی و تأثیر آن‌ها بر مطالعه مسائل جنگ ایران و عراق چیست؟

۳- دلایل و ضرورت‌های واقعی از انتشار نامه امام در مورد قطنامه ۵۹۸ به عنوان بخشی از تاریخ جنگ، چه بود؟

۴- ماهیت و انگیزه واکنش‌های مختلف نسبت به انتشار نامه چه بود؟

۵- منطق امام در پذیرش قطنامه ۵۹۸ چه بود؟

۱- بازخوانی تاریخ جنگ: الزامات و چالش‌ها

از منظر ارزیابی‌های تاریخی، هر نسلی باید زندگی و زمانه

خود را از نو باز شناسد و پنداشته‌های پذیرفته شده را در پرتو وسواسی نقادانه، مورد قضاوتی مجدد قرار دهد.

بدون شک، نقد گذشته نمی‌تواند فقط بر پایه ستایشی سرشار از غرور یا افسوس مبتنی بر برشماری اشتباهات و فرصت‌های از دست رفته شکل گیرد. بلکه نقد تاریخی باید فارغ از ارزیابی‌های شتابزده و پیش داوری‌های معمول و یک سو به، توجه خود را به شناخت و بازنگری دقیق گذشته معطوف سازد. "به عبارتی، در فراز و نشیب تحولات اجتماعی، شکست، ناکامی و نابخردی تاریخی اجتناب‌ناپذیر است، اما به گفته کاپوشینسکی، نویسنده لهستانی، اگر جهان همواره تنها با خرد اداره می‌شد، آیا اصولاً تاریخی وجود می‌داشت؟" (۱)

از طرف دیگر، "از ابتلائات فراگیر ملل عقب مانده، فقر آگاهی نسبت به تاریخ است. تاریخ، صرفاً مجموعه‌ای متراکم از رویدادها و حوادث بزرگ و کوچک نیست. تاریخ، در واقع شناسنامه و هویت جمعی ملل و اقوام است که اسباب وحدت‌آحاد و افراد جوامع را فراهم می‌سازد. ملتی که از تاریخ و پیشینه خود غافل است، هویت اصلی خود را واگذارده، آینده و حتی اکنون را نیز از دست می‌دهد. برای نسل جوان، آگاهی ناظر به تاریخ از اولویت‌ها و ضرورت‌های کنونی ماست و این سنخ از آگاهی، در وهله نخست با عرضه و آموزش داده‌های درست و صحیح تاریخی و سپس تحلیل و تفسیرهای متقن و معتبر قوام می‌یابد." (۲)

با توجه به نظریات فوق، آیا جنگ ایران و عراق، قابلیت بازخوانی مکرر و تجربه اندوزی برای نسل‌های فعلی و آینده را دارد؟ در پاسخ به این پرسش، محمد درودیان محقق تاریخ جنگ، می‌نویسد: "جامعه ایران در تداوم تأثیرپذیری از دوره جنگ با عراق و بازخوانی مجدد واقعه جنگ، در آغاز دوره جدیدی به سر می‌برد که در برخی زمینه‌ها عمیقاً نگران‌کننده است و در عین حال می‌تواند منشاء امیدواری زیادی باشد." (۳) در ادامه، پرسش مهم‌تری از سوی وی مطرح می‌شود مبنی بر این که "آیا حادثه جنگ با تمام ابعاد و ویژگی‌های آن، اکنون به یک حادثه تاریخی تبدیل شده است؟" ایشان در پاسخ به این پرسش، با اشاره به وجود نظریات متفاوت در باب چگونگی تاریخی شدن یک حادثه نتیجه‌گیری می‌کنند: "هر نسلی در هر دوره‌ای با نگاه خاص خود به گذشته می‌نگرد... لذا هر نسلی چیز تازه‌ای از گذشته خود کشف می‌کند و باید تاریخ را از نو بنویسد. علاوه بر این، قابلیت یک حادثه بزرگ تاریخی، در این است که توان

پاسخ‌گویی به نیازها، به روش‌های متفاوت و در وضعیت‌های گوناگون را دارد. این ویژگی بیانگر این معناست که حوادث بزرگ تاریخی از مشخصه ماندگاری و پایداری برخوردار هستند." (۴) فارغ از دیدگاه‌های فوق، به نظر می‌رسد با گذشت بیش از سه دهه از آغاز جنگ ایران و عراق، امروزه این نیاز در سطوح مختلف نخبگان حاکمیتی، محققین و پژوهشگران و همچنین افکار عمومی بیش از پیش به چشم می‌خورد. آقای هاشمی رفسنجانی در مصاحبه‌ای می‌گوید: "اکنون شرایط تاریخی به گونه‌ای است که می‌توان واقعیت‌ها را واضح‌تر گفت." (۵) محسن رشید معاون تحقیقات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس با رد این دیدگاه معتقد است، به دلیل شرایط بحرانی کشور باید از بیان وقایع جنگ اجتناب کرد. (۶)

به رغم دیدگاه‌های فوق، ابعاد و پیامدهای انتشار نامه امام در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بیانگر آن است که متأسفانه هنوز فضا و ظرفیت لازم برای بیان حقایق تاریخ جنگ در کشور به وجود نیامده است. باید به این نکته اعتراف کرد که تاکنون طرح مسائل مربوط به جنگ ایران و عراق در فضایی از التهابات سیاسی صورت گرفته است و بدیهی است در چنین شرایطی، لایه‌های پنهان جنگ که همان حقایق هستند، صرفاً بر پایه مناقشات و دعوای سیاسی امکان بروز و ظهور می‌یابند. مهم‌ترین پیامد چنین وضعیتی، ایجاد نوعی انفعال است که جامعه را از بهره‌گیری مناسب از آموزه‌ها و تجربیات این دوران محروم می‌سازد.

فرایندی که منجر به انتشار نامه امام در مهر ماه ۸۵ از سوی دفتر آقای هاشمی رفسنجانی گردید، به دلیل خیزش آن از بستر مناقشات سیاسی، نه تنها در انتقال مفاهیم و اصول حاکم بر تصمیم‌گیری امام به جامعه و افکار عمومی ناکام ماند، بلکه مشکلاتی را ایجاد کرد.

نمونه دیگری از چنین معضلی را می‌توان در کشمکش سیاسی میان "محمد جواد لاریجانی" و "علی‌اکبر ولایتی" به عنوان دو تن از مسئولین ارشد سیاسی کشور در گذشته و حال مشاهده کرد. کشمکشی که برآیند آن را می‌توان در این تحلیل بی‌بی‌سی به نقل از مسعود بهنود دید مبنی بر این که "هیچ کدام از مسئولین کشور حاضر به قبول مسئولیت تصمیمات جنگ نیستند." (۷)

محمد جواد لاریجانی که مسئول مذاکرات قطعنامه ۵۹۸ بوده است، تنها در جریان یک دعوای سیاسی و اختلاف سلیقه

بدون شک، نقد گذشته نمی تواند فقط بر پایه ستایشی سرشار از غرور یا افسوسی مبتنی بر برشماری اشتباهات و فرصت های از دست رفته شکل گیرد. بلکه نقد تاریخی باید فارغ از ارزیابی های شتابزده و پیش داوری های معمول و یک سویه، توجه خود را به شناخت و بازنگری دقیق گذشته معطوف سازد.

منتشر کردم" (۱۱) اما برخی واکنش های تند نسبت به این اقدام که تا حد "تشنج آفرینی در افکار عمومی و در نتیجه قابل سرزنش" (۱۲) پیش رفت و درمقابل، برخی این اقدام آقای هاشمی را در ارتباط با عالم سیاست قلمداد کردند و از آن به "هشدار هاشمی" یاد کردند، بیانگر عدم امکان دست یابی به هدف تعریف شده از سوی آقای هاشمی می باشد.

دفتر آقای هاشمی رفسنجانی نیز در توضیحی، فلسفه انتشار آن نامه را چنین، بیان کرد:

"فلسفه انتشار این نامه صرفاً پاسخ روشن و بدون ابهام توسط شخص امام (ره) به شبهات و تشکیک های احتمالی بود که در مورد علل ختم جنگ عنوان می شد. برخی آن را ناشی از سیاسی کاری سیاسیون و برخی ناشی از مجموعه عواملی از محدودیت ها و شرایط و مقتضیات داخلی و بین المللی آن زمان برمی شمردند و متأسفانه در ماه های اخیر، شبهات دیگری نیز در مورد پذیرش قطعنامه مطرح گردید که برای نسل جدید ابهامات بیشتری ایجاد کرد. ضمناً انتشار این نامه به منظور منفی نشان دادن گزارش فرماندهی سپاه در آن زمان برای مشخص کردن نیازهای جبهه نبوده، بلکه دلیل بر تأثیر آن گزارش در واقع بینی مسئولان و کمک به تصمیم گیری امام راحل است." (۱۳)

علی رغم مواضع آقای هاشمی و دفتر ایشان، واکنش های صورت گرفته نسبت به این موضوع نشان داد که بیان واقعیت های جنگ در شرایط کنونی هنوز از حساسیت بسیار بالایی برخوردار است، از طرف دیگر، انتشار نامه امام اگر چه در امتداد یک سلسله مباحث در مورد "نحوه پایان جنگ" صورت گرفت، اما به طور قطع نمی توان این اقدام را بی ارتباط با شرایط سیاسی - اجتماعی فعلی کشور دانست. چنان که در توضیحات

مدیریتی، به ناچار حقایقی از قطعنامه مذکور را به منظور سرکوب طرف مقابل (علی اکبر ولایتی) مطرح می کند؛ لاریجانی می گوید: "در مورد قطعنامه ۵۹۸ در تمامی مراحل مذاکرات و سفر من به نیویورک و دیگر کشورها، نه تنها نخست وزیر محترم، رئیس مجلس، بلکه حضرت امام در جریان قرار می گرفتند و تا من مطمئن نمی شدم که آن بزرگ وار نظر مساعد دارند، قدمی برنمی داشتم. اما آقای ولایتی در تمام طول این مذاکرات، حتی یک لحظه هم حاضر نشدند به موضوع، نتایج، متن و مسیر توجه کنند و همواره می گفتند: "چون حساسیت عمومی وجود دارد، من مخالفم!" مثلاً در برهه ای تحت فشار امریکا، شورای امنیت سازمان ملل متحد به ایران اخطار کرد که اگر موضع خود را نسبت به قطعنامه ۵۹۸ روشن نکند، قطعنامه جدیدی صادر خواهد شد که ایران را تحت فشار می گذارد. نظر تمام کارشناسان و مسئولان بر این بود که نباید اجازه داد چنین قطعنامه ای صادر شود. آقای ولایتی در اتاق آقای شیخ الاسلام (معاون وزیر خارجه وقت) جلسه برگزار کرد و مرا که مسئول مذاکرات قطعنامه ۵۹۸ بودم صدا کرد و گفت: "تا من وزیر خارجه هستم، اجازه نمی دهم که این قطعنامه قبول شود". درست دوازده ساعت بعد، مرحوم حاج احمد آقا زنگ زدند و گفتند که حضرت امام فرموده اند: "بروید نیویورک و آن ها را متقاعد کنید که قطعنامه را رد نکرده ایم و قصد رد کردن هم نداریم." (۸)

۲- دلایل و ضرورت های انتشار نامه

هر نسلی در هر دوره ای با نگاه خاص خود به گذشته می نگرد و بدین ترتیب نقطه عزیمت برای هر مطالعه تاریخی، شرایط حال می باشد. به عبارت دیگر، "مورخ برای تایخ نگاری در واقع تحت تأثیر حال می باشد." (۹)

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، مواجهه با مسائل و موضوعات جنگ در شرایط کنونی از دو مشکل اساسی رنج می برد، یکی این که بخشی از این بحث ها معطوف به اهداف و اغراض سیاسی است که از سوی برخی گروه ها دیده می شود و در واقع آن ها بحث تاریخی نمی کنند، به سند تاریخی توجه ندارند و به جنگ از دید مناقشات سیاسی نگاه می کنند. بخش دیگر، به مراکز و نهادهای مختلفی برمی گردد که آن زمان هر کدام مسئولیت داشتند و از موضع خود جنگ را تحلیل می کنند. (۱۰) اگر چه آقای هاشمی رفسنجانی در بیان دلیل انتشار نامه امام تأکید می کند: "به خاطر این که دیدم درباره جنگ شبهاتی ایجاد شده، برای رفع شبهات و پاسخ به نسل جوان این نامه را

دفتر آقای هاشمی اختلاف دیدگاه در مورد مسائل جنگ تلویحاً مورد تأیید قرار گرفته است. محسن رشید در این خصوص می‌گوید: "مباحثی که امروز مطرح می‌شود در سطح نخبگان است و در سطح نخبگان، سه اندیشه در حوزه جنگ مطرح است: یک سرشاخه، اندیشه آقای هاشمی رفسنجانی است که با اقدام اخیر این اندیشه ابراز شده است. سرشاخه دیگر، اندیشه آقای محسن رضایی است که آن هم بسته و گریخته ابراز شده است؛ اما سرشاخه سوم، مهندس میرحسین موسوی است که تاکنون، سکوت کرده است." (۱۴)

واقعیت آن است که آقای هاشمی رفسنجانی در مهرماه ۸۲ طی مصاحبه‌ای با روزنامه همشهری در مورد چگونگی پایان جنگ، عوامل منجر به پذیرش قطعنامه را مواردی چون خستگی و ناتوانی نیروهای مسلح کشور، حمایت قدرت‌های شرق و غرب از صدام به ویژه پس از کربلای ۵ و تقویت نظامی عراق در مقابل ایران، دخالت مستقیم آمریکا در جنگ، قطع منابع مالی کشور توسط قدرت‌های خارجی، نامه دولت به امام مبنی بر ناتوانی از تأمین هزینه‌های جنگ و بالاخره نامه فرمانده وقت سپاه، اعلام کرد. (۱۵)

آقای هاشمی همچنین در مصاحبه دیگری، تحولات قبل از پذیرش قطعنامه را چنین تحلیل می‌کند: "بعد از فتح خرمشهر، من آثار اختلاف را دیدم. تعصب سپاهی و ارتشی کم‌کم خودش را نشان داد. آثار این اختلاف را در عملیات رمضان دیدم و بدتر از آن در عملیات والفجر مقدماتی. ماهیت این اختلافات به خود انقلاب و پیروزی آن شباهت داشت. در ابتدای انقلاب همه نیروها با هم بودند، اما کم‌کم که بحث میراث انقلاب پیش آمد، گروه‌های مختلف تشکیل شد. البته این موضوع کاملاً طبیعی است و در همه جای دنیا چنین است. از طرفی، در شیوه اداره جنگ هم منطق ارتش این بود که باید به صورت کلاسیک عمل کرد و سپاه بیشتر به شیوه غافل‌گیری عمل می‌کرد. سپاه برای عملیات ادوات زیادی می‌خواست و ارتش می‌گفت باید با نگاه به آینده، از ادوات استفاده کرد." آقای هاشمی در ادامه همین مصاحبه به طور خیلی صریح در مورد علت پذیرش قطعنامه پاسخ می‌دهد: "دولت در آن موقع اعلام کرد که دیگر قادر به تدارک مالی نیست. از لحاظ ابزار جنگ هم آقای محسن رضایی نامه‌ای به امام نوشت* و تجهیزات متعددی از جمله چند صد هواپیما و تعداد زیادی توپ و تانک خواست. از طرفی، صدام اجازه گرفته بود که بمباران شیمیایی شهرهای ما را مثل شلمچه شروع کند.

آمریکا هم وارد جنگ شده بود. مجموع این عوامل ما را به این نتیجه رساند که ادامه جنگ بیش از آن درست نیست. من از حلبچه به جلسه سران سه قوه آمدم و در آن جا به اجماع رسیدیم که جنگ را تمام کنیم." (۱۶)

محسن رضایی نیز به عنوان فرمانده وقت سپاه در مصاحبه‌هایی جداگانه به تحلیل تحولات قبل از پایان جنگ می‌پردازد و ارزیابی متفاوتی نسبت به دیدگاه آقای هاشمی رفسنجانی در این خصوص دارد. وی در مورد عوامل منجر به پایان جنگ می‌گوید: "بعد از آزادسازی خرمشهر، نیروهای ایران دو گروه شده بودند، یک گروه معتقد بودند که اگر ایران استراتژی نظامی را ادامه دهد، صدام حسین خیلی زودتر سقوط می‌کند. بعضی آقایان مثل آقای هاشمی نیز معتقد بودند که استراتژی باید سیاسی باشد، یعنی یک عملیات انجام دهیم، بعد سعی کنیم از طریق مذاکره جنگ را تمام کنیم. چون نظامی‌ها همیشه تابع سیاسی‌ها هستند، نمی‌توانند خارج از آن عمل کنند و کاری که عملاً اتفاق افتاد، این بود که نظر سیاسیون غالب شود و هر عملیاتی که از آزادی خرمشهر، به این طرف صورت گرفته است، از استراتژی سیاسی تبعیت کرده است؛ یعنی یک عملیات برای پایان دادن به جنگ و این برنامه ریزی ایران شد. اما تجربه ثابت کرد که اگر ایران با همان استراتژی که خرمشهر را آزاد کرد ادامه می‌داد، صدام زودتر سقوط می‌کرد و جنگ هم زودتر به پایان می‌رسید. هر چه از جنگ فاصله می‌گیریم، بیشتر اعتقاد پیدا می‌کنیم که اگر بعد از آزادی خرمشهر، استراتژی را عوض نمی‌کردیم و با همان استراتژی نظامی جلو می‌رفتیم، پیشرفت ما خیلی بیشتر بود؛ ولی دوستان سیاسی با این اصرار که استراتژی نظامی به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و جنگ طول می‌کشد، یک استراتژی سیاسی انتخاب کردند."

آقای رضایی در مورد دلایل عدم کارایی استراتژی سیاسی آن‌ها توضیح می‌دهد: "اگر این استراتژی سیاسی از سوی قدرت‌های بین‌المللی مورد قبول قرار می‌گرفت، جنگ زودتر تمام می‌شد، لذا استراتژی سیاسی زمانی مؤثر بود که راه دیپلماسی باز شد، اما وقتی آمریکا و کشورهای بین‌المللی نمی‌خواستند به ایران امتیاز بدهند و راه دیپلماسی را بر روی ایران و عراق بسته بودند، استراتژی سیاسی نمی‌توانست به نتیجه برسد، کما این که عملاً همین‌طور شد. استراتژی سیاسی یک مقدار فرصت‌ها را از ما گرفت و باعث شد که جنگ طولانی شود ... با انجام یک عملیات برای پایان دادن به جنگ آن‌ها

* آقای محسن رضایی در این باره می‌گوید: "من هیچگاه به امام نامه ننوشتم" (بازتاب ۶/۷/۱۳۸۵).

تسلیم ما نشدند. بعد که ما عملیات فاو را انجام دادیم و جزایر را نیز گرفتیم و نزدیک بصره رسیده بودیم، آن‌ها تازه ۵۹۸ را برای ما صادر کردند که این اقدام نشان داد که ما باید بعد از خرمشهر، مسیر نظامی گری را جدی تر دنبال می کردیم." (۱۷)

البته محسن رضایی در مورد نامه خود این گونه توضیح می دهد: "در حقیقت یکی از دلایلی که حضرت امام در مورد پایان جنگ تصمیم گرفتند، نامه‌ای بود که من به آقای هاشمی نوشته بودم. البته من هیچ گاه به امام نامه ننوشتم. نامه من و آقای خاتمی که آن موقع وزیر ارشاد بود و صحبت آقای میرحسین که نخست وزیر بود و نامه‌های فرماندهان ارتش، این‌ها در تصمیم گیری امام در این که قطعنامه ۵۹۸ را بپذیرند، مؤثر بود." وی همچنین با تکذیب این موضوع که در نامه‌اش پیشنهاد پایان جنگ را داده است، گفت: "من در نامه‌ام نوشته بودم که ما جنگ را نباید برای یک عملیات برنامه ریزی کنیم، چرا که جنگ با این کار به پایان نمی رسد. ما باید استراتژی داشته باشیم و یک مجموعه عملیات‌ها را برنامه ریزی کنیم. در حقیقت آن نامه‌ای که من نوشته بودم، ارائه یک برنامه بلندمدت برای جنگ بود." (۱۸)

از مقایسه دو دیدگاه فوق، به این نتیجه می رسیم که پس از فتح خرمشهر، این بحث به طور جدی میان دولتمردان مطرح بوده است و همگان می کوشیده اند جنگ را پایان دهند و تفاوت در انتخاب نوع استراتژی است که در حال حاضر کانون مباحثات آقایان هاشمی رفسنجانی و محسن رضایی است.

بدون تردید پرسش از "نحوه پایان جنگ" یکی از سه پرسش اساسی موجود در مورد جنگ ایران و عراق است.*

محمد درودیان نویسنده و محقق جنگ در این باره می نویسد: "برای کالبد شکافی این پرسش، باید ابتدا به این سؤال پاسخ داد که مسئله اساسی و نقطه کانونی پرسش بر چه موضوع و مسائلی متمرکز است؟ به عبارت دیگر، آیا منظور این است که چرا جنگ تمام شد و باید همچنان به جنگ ادامه می دادیم؟ اگر اصل اتمام جنگ را بر اساس این قاعده بپذیریم که هر جنگی همان گونه که آغاز می شود، باید پایانی داشته باشد، بنابراین پرسش بر نحوه پایان جنگ و نه اتمام جنگ متمرکز است.

جمهوری اسلامی ایران با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و اعلام موافقت خود با اتمام جنگ، زمینه پایان یافتن جنگ را فراهم ساخت حال آیا مسئله پذیرش قطعنامه ۵۹۸ است؟

با توجه به این که جنگ‌ها بر اثر بن بست سیاسی آغاز می شوند و سرانجام با روش سیاسی یا پیروزی نظامی به پایان می رسند، این سؤال مطرح است که جمهوری اسلامی ایران که از راه نظامی می توانست بر عراق پیروز شود، چرا با روش سیاسی به جنگ خاتمه داد؟ به عبارت دیگر، این باور و اعتقاد وجود داشت که جنگ باید با پیروزی نظامی بر عراق به پایان برسد، اما با پذیرش قطعنامه و اتمام جنگ با روش سیاسی، نوعی تغییر استراتژی حاصل شد و به دلیل ابهاماتی که در این زمینه وجود دارد، سؤال انگیز شده است." (۱۹)

محسن رضایی با یک رویکرد تحلیلی در موضع گیری دیگری، دلایل ناکامی استراتژی سیاسی را این گونه بیان می کند: "ناکامی این استراتژی دو بعد داشت: ۱- صدام و نیروی مقابل با استراتژی سیاسی تسلیم نمی شدند و آرایش، اراده و برنامه آن‌ها را از این طریق نمی شد از بین برد؛ ۲- ما در انجام عملیات‌ها مشکلاتی داشتیم و مسائلی بود که اجازه نمی داد ما به موفقیت دست پیدا کنیم. در بعد اول، تلاش زیادی شد که استراتژی سیاسی تغییر یابد و مسئولین سیاسی کشور نپذیرفتند و می گفتند که امکانات و بودجه مورد نیاز تغییر استراتژی را نداریم. لذا عملاً استراتژی نظامی که خواست امام و رزمندگان بود در شعار باقی ماند. از طرق دیگر، اهداف سیاسی هیچ کدام از عملیات‌ها پس از فتح خرمشهر تحقق نیافت تا موجبات موفقیت استراتژی سیاسی را فراهم کند، چون دنیا دست سیاستمداران ایران را خوانده بود. خیلی زود دنیا متوجه شد که ایران جنگ، جنگ تا پیروزی را نمی خواهد. ضمن این که دیپلماسی ایران نمی توانست از همان موفقیت‌های نظامی استفاده کند." (۲۰)

۳- ماهیت و انگیزه‌های واکنش به انتشار نامه

واکنش صورت گرفته به انتشار نامه امام در دو سطح داخلی و خارجی قابل بررسی است. در سطح داخلی افراد و نخبگان سیاسی به دو دسته "موافق" و "مخالف" تقسیم می شوند و در سطح خارجی در چند محور مهم از جمله "توجه به واقع گرایی در سیاست خارجی"، "انعطاف پذیری ایران در شرایط معطوف به افزایش تهدید"، تلاش ایران برای دستیابی به بمب اتم و "اختلاف نظر میان مقامات کشور در ارتباط با موضوعات امنیت ملی" بازتاب یافت.

۱- داخلی

۱-۱- موافقان

محورهای عمده‌ای که از سوی موافقان مورد تأکید قرار

* در میان پرسش‌های موجود در مورد جنگ ایران و عراق، سه موضوع اساسی شامل "علل آغاز جنگ"، "تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر" و "نحوه پایان جنگ" در مقایسه با سایر پرسش‌ها اهمیت بیشتری دارد. (درودیان، محمد. روند پایان جنگ، چاپ اول، ۱۳۸۴، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه).

گرفته است عبارتند از:

- شیوه پایان جنگ ایران و عراق یکی از همان جلوه‌های واقع‌بینی در سیاست خارجی است که نمی‌توان بر آن نام کوتاه آمدن یا سازش گذاشت، بلکه رفتاری مدبرانه در جهت امنیت ملی و منافع ایرانیان و حفظ جمهوری اسلامی بود. این تجربه در مسائل کنونی از جمله برنامه هسته‌ای نیز می‌تواند به کار آید. (۲۱)

- انتشار نامه امام در مورد پایان جنگ از سوی هاشمی رفسنجانی هشدار است برای کسانی که فکر می‌کنند باید تدابیر سیاسی را کنار گذاشت و با برخوردهای تهاجمی کشور را در معرض تهدید قرار داد.

- فارغ از بحث‌ها و جدل‌ها، متن نامه منتشر شده، تدبیر رهبر انقلاب را در جمع‌آوری اطلاعات کامل از تمامی مراکز تصمیم‌گیری در خصوص جنگ و تصمیم قاطع ایشان را در آن زمان نشان می‌دهد. (۲۲)

- بدون تردید، با این نامه تصویری روشن از سیمای منطقی و رهبری هوشمندانه امام برای نسل حاضر ترسیم گردیده است. (۲۳)

- انتشار نامه امام درباره پذیرش قطعنامه گویای آن است که برای یک بار هم که شده، زمان برای پرداختن به یکی از مهم‌ترین وقایع دوران جمهوری اسلامی فرا رسیده ...

به دلیل اثرات جنگ و پیامدهای آن، طفره رفتن از پرداختن به این مسئله حیاتی سبب می‌شود که دچار خطای تحلیل و اشتباه محاسبه و گرفتار شدن در دام‌های فراوان دیگری شویم. (۲۴)

۱-۲- مخالفان

مخالفان انتشار نامه، استدلال خود را بر دو پایه "افشای نامه محرمانه" و "زیان‌بخش بودن محتوای آن در این برهه زمانی" استوار نموده‌اند:

- کسانی که تصور می‌کنند می‌توانند با زیر سؤال بردن این ارزش‌های والا در اراده مستحکم ملت بزرگ ایران برای پیشرفت و سازندگی خللی ایجاد کنند، باید بدانند نه تنها در این راستا موفق نخواهند شد، بلکه فقدان هوشمندی، توانایی و تعهد خود را ثابت می‌کنند. (۲۵)

- انتشار نامه محرمانه امام با مصالح و منافع ملی سازگار نبود. (۲۶)

- دامن زدن به ابهامات و تضعیف نقش ایثار و رشادت

رزمندگان در دفاع مقدس، عواقب تلخی برای نظام دفاع کشور در پی دارد. (۲۷)

- انتشار یک نامه محرمانه مربوط به دوران جنگ در این موقعیت‌های حساس به نفع دشمنان نظام و انقلاب تمام خواهد شد. نامه مذکور از اسناد طبقه‌بندی شده بود که به هیچ عنوان نه حالا، بلکه هیچ زمان دیگر نباید منتشر می‌شد. (۲۸)

- آقای هاشمی رفسنجانی در یک اقدام غیر قابل توجیه و شاید برای آن که در این جدال سیاسی دست بالاتر داشته باشد، نامه سری حضرت امام درباره علت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را منتشر کرد. (۲۹)

- انتشار نامه در شرایط فعلی به مصلحت نبود. (۳۰)

- جماعتی که جز تسلیم طلبی چیزی نمی‌فهمند، این تردید را دامن می‌زدند که نکند همزمان با مجادله اخیر بین دو تن از مدیران نظامی و سیاسی دوران دفاع مقدس، دست‌هایی در کار بوده‌اند تا از لابه‌لای مجادلات، نتیجه خود را بگیرند مبنی بر این که چرا امروز در ماجرای چالش هسته‌ای با غرب کوتاه نیاییم و به روش واقع‌گرایانه دست از آرمان نشوییم. (۳۱)

۲- خارجی

بازتاب خارجی انتشار نامه امام، ناظر به نکات خاصی است که در محورهای ذیل قابل دسته‌بندی هستند:

۲-۱- توجه به "واقع‌گرایی" در سیاست خارجی

- رفسنجانی که در مبارزات انتخاباتی سال گذشته ریاست جمهوری از احمدی‌نژاد شکست خورده، در حال استفاده از این نامه به عنوان حمله عمومی به تندروی بوده که ممکن است ایران را بر سر برنامه هسته‌ای این کشور به سمت یک بحران دیگر بکشد. (۳۲)

- هدف رفسنجانی از منتشر کردن چنین نامه‌ای، نوعی مقایسه وضعیت کنونی در ارتباط با پرونده هسته‌ای با قبول آتش بس توسط امام خمینی (ره) بوده است، به این معنی که امام

فرایندی که منجر به انتشار نامه امام در مهر ماه ۸۵ از سوی دفتر آقای هاشمی رفسنجانی گردید، به دلیل خیزش آن از بستر مناقشات سیاسی، نه تنها در انتقال مفاهیم و اصول حاکم بر تصمیم‌گیری امام به جامعه و افکار عمومی ناکام ماند، بلکه مشکلاتی را ایجاد کرد.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان،
مواجهه با مسائل و موضوعات جنگ در
شرایط کنونی از دو مشکل اساسی رنج می برد،
یکی این که بخشی از این بحث ها
معطوف به اهداف و اغراض سیاسی است که
از سوی برخی گروه ها دیده می شود و در واقع
آن ها بحث تاریخی نمی کنند،
به سند تاریخی توجه ندارند و
به جنگ از دید مناقشات سیاسی
نگاه می کنند.

خمینی عملاً در سیاست در مسئله ای مثل جنگ واقع بین بوده
است. (۳۳)

- رفسنجانی می کوشد با این افشاگری، یک "این همانی"
بین جنگ ایران و عراق و مناقشات هسته ای کنونی ایجاد کرده
و از قول بنیان گذار جمهوری اسلامی به رقبای داخلی خود
بفهماند که برای پیروزی در این درگیری به ادوات خیلی زیادتری
احتیاج هست که عملاً خارج از ممکنات جمهوری اسلامی
است. (۳۴)

- آقای رفسنجانی با ارائه تصویری از جنگ هشت ساله و
ضرورت پایان آن، به نحوی تلویحی نسبت به عواقب درگیر شدن
با نظام جهانی هشدار می دهد. (۳۵)

۲-۲- تلاش ایران برای دستیابی به بمب اتم

- تاکنون همواره رهبران سیاسی و نظامی ایران، این موضوع
را که جمهوری اسلامی در صدد دستیابی به بمب اتمی بوده یا
می باشد را قاطعانه رد کرده اند و نامه محسن رضایی به هاشمی،
نخستین سندی است از داخل جمهوری اسلامی مبنی بر این که
فرماندهان نظامی دستیابی به سلاح اتمی را ضروری
می دانسته اند. (۳۶)

- این نخستین بار است که از قول یکی از مقامات عالی رتبه
نظامی ایران، پیشنهاد ساخت جنگ افزار اتمی مطرح
می شود. (۳۷)

- یک نامه قدیمی در زمینه برنامه تولید اورانیم در ایران
شک ایجاد می کند. (۳۸)

- مفاد نامه منتشر شده بیان کننده آن است که فرماندهان

سپاه از ۱۸ سال پیش خواستار در اختیار داشتن سلاح اتمی
بوده اند. (۳۹)

۲-۳- اختلاف نظر بین مقامات ایران در مسائل امنیت ملی

- محسن رضایی، مسئولان سیاسی جنگ را مسبب طولانی
شدن جنگ می داند. (۴۰)

- متن نامه آیت الله خمینی نشان می دهد که سپاه پاسداران
چندان موافق قبول آتش بس نبوده و اقداماتی را که برای ادامه
جنگ در این نامه آیت الله خمینی آن موقع به آن اشاره داشته،
این بوده که سپاه پاسداران و آقای رضایی به عنوان فرمانده
چندان موافق پایان جنگ نبوده است. (۴۱)

- می توان گفت اختلاف بر سر چگونگی پیشبرد برنامه
هسته ای ایران که طرح علنی آن در شرایط امروز ایران عملاً
منوع است، در قالب نزاع درباره نحوه اداره جنگ هشت ساله
بروز کرده است. (۴۲)

- در سال های اخیر، افشاگری های مقامات تصمیم گیر و
تصمیم ساز نشان می دهد که هر چقدر بر سر مسئولیت آغاز
جنگ اتفاق نظر وجود دارد، اما درباره تصمیم گیری به ادامه
جنگ و اعلام پذیرش قطعنامه شورای امنیت و پایان جنگ
اختلاف نظرهایی وجود دارد که کشف حقیقت را دشوار
می کند. (۴۳)

۴- منطق امام در پذیرش قطعنامه چه بود؟

دوران جنگ تحمیلی، به عنوان نخستین و مهم ترین تجربه
جمهوری اسلامی ایران برای انتخاب شیوه و الگوی تعامل با
نظام های سیاسی و حقوقی منطقه ای و بین المللی بود. از این
جهت، گفتمان های انتخابی در این دوران که عمدتاً بر مبانی
اندیشه های بینان گذار جمهوری اسلامی ایران متکی بود، هنوز
مورد توجه دولتمردان قرار دارد. رجوع به تجربیات این دوران
مستلزم وجود شرایطی خاص و پرهیز از هر گونه افراط و تفریط
در نحوه ادراک و فهم تصمیمات این مقطع زمانی است.

دلایل تصمیم امام برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸، اگر چه در
متن نامه تاریخی ایشان آمده است، اما تحلیل ها و استنباط های
مختلفی از این موضوع تاکنون صورت پذیرفته است، به نحوی
که پس از گذشت ۱۹ سال از این قضیه، همان طور که در بخش
قبلی تشریح شد، هنوز دامنه مناقشات گروهی و سیاسی را تشدید
می کند و به عبارتی سایه سنگین مناقشات سیاسی، اجازه هر
گونه تبیین صحیح و منطقی در مورد "دلایل پذیرش قطعنامه" و
در نهایت "چگونگی پایان جنگ" را سلب نموده است.

با رجوع به برخی اظهارنظرها در این باره، وضعیت فوق قابل مشاهده است:

- **حسین علایی:** "این نامه نشان می‌دهد که از دیدگاه امام، جنگیدن بدون تأمین مایحتاج جنگ از جمله سلاح‌های مورد نیاز، شعاری بیش نیست ... پس می‌توان گفت که امام خمینی (ره) شخصیتی "آرمان‌گرای واقع‌نگر" بوده و تصمیمات خود را با توجه به شرایط و واقعیت‌های موجود و برای سربلندی جمهوری اسلامی گرفتند." (۴۴)

- **حسین شریعتمداری:** "نگاهی به نامه حضرت امام و پیام چهار روز بعد ایشان به وضوح نشان می‌دهد که قبول آتش بس و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از جانب آن بزرگوار، هرگز نمی‌تواند به مفهوم دست کشیدن انقلاب از آرمان‌های متعالی آن باشد." (۴۵)

- **رحیم‌پور ازغدی:** "پیام امام این بود که بعد از پذیرش قطعنامه، جهاد و نبرد اصلی ما تازه شروع شده ولی عده‌ای متأسفانه سوء استفاده کردند و خواستند نتایج غلط بگیرند." (۴۶)

طرح دیدگاه‌های فوق همزمان با انتشار نامه امام، در حقیقت بیانگر آن است که "کانون گفتمان استراتژیک ما در محدودترین شکل آن، توسط دو مقوله ناهمخوان و غیر تعریف شده نسبت به هم اشغال شده‌اند و تلاش می‌کنیم ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها (ارزش‌ها) را در کنار واقعیت‌های زمانه خود بنشانیم و پیوندی بین دو دیدگاه و گفتمان ایده‌آل محور و واقع‌نگر (بدون روشن کردن نقاط افتراق و اشتراک این دو) به وجود بیاوریم لذا بنا بر اقتضائات زمان و تجویزات مشی خود، گاه ثقل گفتمان (امنیتی - استراتژیک را متوجه بُعد نخست کردیم و گاه به توجیه "اصل" بودن بُعد دوم پرداختیم)." (۴۷)

با این وجود، برای پرهیز از هر گونه تفصیل و اطاله کلام، دو سند مهم را که تبیین‌کننده منطق امام در پذیرش قطعنامه است در ذیل بازخوانی خواهیم کرد:

سند اول، پیام امام در اسفند ماه ۶۷ به روحانیت سراسر کشور است که بخش‌های مربوط به این بحث بدین شرح است: "در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده ساله پس از پیروزی انقلاب، باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران، در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ، در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم، حتی در جنگ، پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه

خسارات چیزی به دست نیاوردند. البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم، در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم، ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان رفع تجاوز و اثبات صلاحیت اسلام بود، مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره‌جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم. ما در جنگ، دوستان و دشمنان مان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامی مان را محکم کردیم ... جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و زدالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد، چه کوتاه‌نظرند آن‌هایی که خیال می‌کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بی‌فایده است ...! ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد، به وظیفه خود عمل نمود و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرد..." (۴۸)

سند دوم، پیام مهمی است که امام در مورد پذیرش قطعنامه در آن زمان صادر کردند. بخش‌های مربوط به این بحث در پیام مذکور بدین شرح است: "و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم و خدا

می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود. (۴۹)

۵- نتیجه گیری

تحولات گذشته یک ملت، به عنوان بخشی از تاریخ حیات سیاسی و اجتماعی، نقش مهمی در هویت‌سازی آن ملت خواهد داشت. از طرف دیگر، تجزیه و تحلیل صحیح و منطقی گذشته موجب می‌شود تا هویت جمعی یک ملت شکل گیرد و با در دست داشتن گذشته، اکنون و آینده را برای خود حفظ و بسط دهد. اگر چه تاریخ جنگ ایران و عراق در اذهان ملت ایران از چنین خصوصیتی برخوردار است، اما نباید فراموش کرد که این گذشته در بردارنده ناکامی‌ها و کامیابی‌ها بوده است و نادیده گرفتن هر کدام از این دو، انحراف از مسیر صحیح مواجهه با جنگ خواهد بود.

تجربیات جنگ ایران و عراق به ویژه در حوزه نظامی و امنیتی از جایگاه مهمی در تفکر و اندیشه فرماندهان نظامی و مسئولین سیاسی کشور برخوردار است و توجه به آن، فهم و درک آنان را نسبت به وضعیت و تهدیدات حال و آینده عینی‌تر و واقعی‌تر می‌نماید؛ اگر چه ماهیت تهدیدات کنونی از تفاوت قابل توجهی با گذشته برخوردار باشند.

بنابراین فراهم ساختن زمینه‌ها و فرصت‌های لازم و مناسب برای تجزیه و تحلیل دقیق جنگ گذشته، یکی از ضرورت‌هایی است که تنها با پرهیز از رویکردهای تبلیغی و احساسی و همچنین دور کردن متن جنگ از مناقشات سیاسی امکان‌پذیر خواهد بود.

منابع

۱- نگاه کنید به:

<http://www.roszoo7/archives/online.comzoo7/06/005240.ph>

۲- نگاه کنید به پایگاه اطلاع‌رسانی دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره. (<http://www.korsi.ir>)

۳- درودیان، محمد (۱۳۸۰)، پرسش‌های اساسی جنگ ایران و عراق، جلد ۱، ص ۲۲.

۴- درودیان، محمد، همان، ص ۲۶ و ۲۷.

۵- روزنامه کارگزاران، مورخ ۱۳۸۵/۷/۵، ص ۸ و ۹.

۶- روزنامه سیاست روز، مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۰، ص ۲.

۷- بی‌بی‌سی ۲۹/۴/۱۳۸۶.

۸- بازتاب، ۱۳۸۶/۴/۲۷.

۹- درودیان، محمد، همان.

۱۰- درودیان، محمد، روزنامه کارگزاران، ۱۳۸۵/۷/۲، ص ۳.

۱۱- روزنامه صدای عدالت، ۱۳۸۵/۷/۱۰، ص ۱.

۱۲- شریعتمداری حسین، روزنامه کیهان، ۱۳۸۵/۷/۹، ص ۲.

۱۳- روزنامه اعتماد، مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱، ص ۲.

۱۴- خبرگزاری ایسنا، ۱۳۸۵/۷/۹.

۱۵- روزنامه کارگزاران، ۱۳۸۵/۷/۵، ص ۸ و ۹.

۱۶- روزنامه همشهری، ویژه نامه هفته دفاع مقدس، ۳ مهر ۱۳۸۵.

۱۷- روزنامه اعتماد ملی، ۱۳۸۵/۷/۱، ص ۸ و ۹.

۱۸- بازتاب، ۱۳۸۵/۷/۶.

۱۹- درودیان، محمد، روند پایان جنگ، چاپ اول، ۱۳۸۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.

۲۰- بازتاب، ۱۳۸۵/۷/۶.

۲۱- روزنامه کارگزاران، یادداشت روز، مورخ ۱۳۸۵/۷/۸.

۲۲- ذوقی، حسین، روز هفت، مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۳، ص ۸.

۲۳- نوبخت، محمد باقر، روزنامه و تمار، مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۷.

۲۴- اسلامی، یدالله، روزنامه اعتماد ملی، مورخ ۱۳۸۵/۷/۹.

۲۵- احمدی نژاد، محمود، روزنامه اعتماد، مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۱، ص ۲.

۲۶- انبارلویی، محمد کاظم، روزنامه اعتماد، مورخ ۱۳۸۵/۷/۹.

۲۷- طلایی نیک، روزنامه اعتماد، مورخ ۱۳۸۵/۷/۹.

۲۸- سعیدی، علی (نماینده ولی فقیه در سپاه)، روزنامه اعتماد، ۱۳۸۵/۷/۱۰، ص ۲.

۲۹- شریعتمداری، حسین، روزنامه کیهان، ۱۳۸۵/۷/۹، ص ۲.

۳۰- مظفر، حسین، روزنامه اعتماد، ۱۳۸۵/۷/۱۰، ص ۲.

۳۱- شریعتمداری، حسین، روزنامه کیهان، ۱۳۸۵/۷/۱۰، ص ۲.

۳۲- رویترز، ۱۳۸۵/۷/۱۴.

۳۳- بی‌بی‌سی، ۱۳۸۵/۷/۱۲.

۳۴- سایت اینترنتی اخبار روز، ۱۳۸۵/۷/۱۱.

۳۵- بی‌بی‌سی، ۱۳۸۵/۷/۸.

۳۶- رادیو فردا، ۱۳۸۵/۷/۸.

۳۷- بی‌بی‌سی، ۱۳۸۵/۷/۸.

۳۸- نیویورک تایمز، ۱۵ اکتبر ۲۰۰۶.

۳۹- رادیو فردا، ۱۳۸۵/۷/۹.

۴۰- سایت اخبار روز، ۱۳۸۵/۷/۱۰.

۴۱- بی‌بی‌سی، ۱۳۸۵/۷/۸.

۴۲- بی‌بی‌سی، ۱۳۸۵/۷/۸.

۴۳- بی‌بی‌سی، ۱۳۸۶/۴/۲۹.

۴۴- بازتاب، ۱۳۸۵/۷/۱۳.

۴۵- روزنامه کیهان، ۱۳۸۵/۷/۹، ص ۲.

۴۶- خبرگزاری فارس، ۱۳۸۵/۷/۱۴.

۴۷- تاجیک، محمدرضا، مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، جلد اول، ص ۲۴.

۴۸- خبرگزاری فارس، ۱۳۸۵/۷/۸.

۴۹- خبرگزاری فارس، ۱۳۸۶/۴/۲۹.

ضمیمه: متن نامه امام به مسئولین در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۵*

بسم الله الرحمن الرحيم

شنبه ۲۵ تیر ۱۳۶۷

با یاری خداوند متعال و با سلام و صلوات به انبیاء بزرگوار الهی و ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین، حال که مسئولین نظامی ما اعم از ارتش و سپاه که خبرگان جنگ می باشند صریحاً اعتراف می کنند که ارتش اسلام به این زودی ها هیچ پیروزی به دست نخواهند آورد و نظر به این که مسئولین دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی دانند و با قاطعیت می گویند که یک دهم سلاح هایی را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده اند به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی شود در جهان تهیه کرد و با توجه به نامه تکان دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از ده ها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست های اخیر به این جانب رسیده و به اعتراف جانشینی فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده سپاه یکی از معدود فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ می باشد و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح های شیمیایی و نبود وسایل خنثی کننده آن، این جانب با آتش بس موافقت می نمایم و برای روشن شدن در مورد اتخاذ این تصمیم تلخ به نکاتی از نامه فرمانده سپاه که در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲ نگاشته است، اشاره می شود، فرمانده مزبور نوشته است تا پنج سال دیگر ما هیچ پیروزی نداریم، ممکن است در صورت داشتن وسایلی که در طول پنج سال به دست می آوریم قدرت عملیات انهدامی و یا مقابله به مثل را داشته باشیم و بعد از پایان سال ۷۱ اگر ما دارای ۳۵۰ تیپ پیاده و دو هزار و ۵۰۰ تانک، سه هزار توپ و ۳۰۰ هواپیمای جنگی و ۳۰۰ هلی کوپتر و قدرت ساختن مقدار قابل توجهی از سلاح ها را ... - که از ضرورت های جنگ در آن موقع است - داشته باشیم می توان گفت به امید خدا می توانیم عملیات آفندی داشته باشیم.

وی می گوید قابل ذکر است که باید توسعه نیروی سپاه به هفت برابر و ارتش به دو برابر و نیم افزایش پیدا کند، او آورده است البته امریکا را هم باید از خلیج فارس بیرون کنیم و الا موفق نخواهیم بود. این فرمانده، مهم ترین قسمت موفقیت طرح خود را تهیه به موقع بودجه و امکانات دانسته است و آورده است که بعید به نظر می رسد دولت و ستاد فرماندهی کل قوا بتوانند به تعهد خود عمل کنند.

البته با ذکر این مطالب می گوید باید باز هم جنگید که این

دیگر شعاری بیش نیست. آقای نخست وزیر از قول وزرای اقتصاد و بودجه، وضع مالی نظام را زیر صفر اعلام کرده اند، مسئولین جنگ می گویند تنها سلاح هایی را که در شکست های اخیر از دست داده ایم به اندازه تمام بودجه ایست که برای سپاه و ارتش در سال جاری در نظر گرفته شده بود.

مسئولین سیاسی می گویند از آنجا که مردم فهمیده اند پیروزی سریعی به دست نمی آید شوق رفتن به جبهه در آن ها کم شده است. شما عزیزان از هر کس بهتر می دانید که این تصمیم برای من چون زهر کشنده است ولی راضی به رضای خداوند متعال هستم و برای صیانت از دین او و حفاظت از جمهوری اسلامی اگر آبرویی داشته باشم، خرج می کنم.

خداوند! ما برای دین تو قیام کردیم و برای دین تو جنگیدیم و برای حفظ دین تو آتش بس را قبول می کنیم.

خداوند! تو خود شاهدهی که ما لحظه ای با امریکا و شوروی و تمامی قدرت های جهان سر سازش نداریم و سازش با ابرقدرت ها و قدرت ها را پشت کردن به اصول اسلامی خود می دانیم.

خداوند! در جهان شرک و کفر و نفاق، در جهان پول و قدرت و حيله و دورویی، ما غریبیم، تو خود یاریمان کن.

خداوند! در همیشه تاریخ وقتی انبیاء و اولیاء و علما تصمیم گرفته اند مصلح جامعه گردند و علم و عمل را در هم آمیزند و جامعه ای دور از فساد و تباهی تشکیل دهند با مخالفت های ابوجهل ها و ابوسفیان های زمان خود مواجه شده اند.

خداوند! ما فرزندان اسلام و انقلابمان را برای رضای تو قربانی کردیم، غیر از تو هیچ کس را نداریم، ما را برای اجرای فرامین و قوانین خود یاری فرما.

خداوند! از تو می خواهم تا هر چه زودتر شهادت را نصیب فرمایی. گفتم جلسه ای تشکیل گردد، آتش بس را به مردم تفهیم نمایند. مواظب باشید ممکن است افراد داغ و تند با شعارهای انقلابی شما را از آن چه صلاح اسلام است دور کنند.

صریحاً می گویم باید تمام همتان در توجیه این کار باشد، قدمی انحرافی حرام است و موجب عکس العمل می شود. شما می دانید که مسئولین رده بالای نظام با چشمی خونبار و قلبی مالامال از عشق به اسلام و میهن اسلامی مان چنین تصمیمی گرفته اند، خدا را در نظر بگیرید و هر چه اتفاق می افتد از دوست بدانید.

والسلام علینا و علی عباد الله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی